

## عوامل مؤثر در حفظ حیات دین یهود پس از تخریب معبد دوم<sup>۱</sup>

علی قناعتیان جهرمی

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

طاهره حاج ابراهیمی<sup>۲</sup>

دانشیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

از آنجاییکه یهود به عنوان دینی شریعت-محور ارتباطی محکم با وجود معبد داشته، در هر دو واقعه‌ی سقوط معابد، هویت دینی و ملی آن با خطر جدی روبرو شد. این مقاله به بررسی عواملی پرداخته که پس از تخریب معبد دوم موجب بقا و ادامه‌ی حیات دین یهود گردیدند. بررسی دقیق اسناد تاریخی و مطالعات پیشین، دو دسته عوامل درونی و بیرونی را نشان می‌دهد. از جمله عوامل درونی می‌توان به نقش یوحنا بن زکای، شورای سنهدرین، فریسیان و اثر نظام خاخامی اشاره کرد. شورش شمعون برکوخبا نیز علی‌رغم شکست، موجب تثبیت موقعیت علمی یهودیان گردید. همچنین، نقش پررنگ شریعت شفاهی در دوران پس از معبد دوم در قالب اثر مهم تلمود موجب ادامه حیات دین یهود شد. از جمله عوامل بیرونی، تبعید به سرزمین‌های همسایه بخصوص بابل، توحیدی بودن ادیان ایران باستان و تأثیرگذاری آنها بر دین یهود، رقابت دو امپراطوری روم و ایران در سال‌های پس از سقوط معبد دوم که باعث نزدیکی یهودیان به اشکانیان در دشمنی با روم شد و نقش احتمالی اشکانیان در تحریک شورش‌های یهودیان به منظور مشغول نگاه داشتن رومیان را می‌توان نام برد. مجموعه‌ی این عوامل زمینه را برای حیات دینی یهودیان و تحکیم باورهای توحیدی پس از سقوط معبد دوم فراهم نمود.

### کلیدواژه‌ها

معبد دوم، یهودیت، تلمود، سقوط معبد دوم

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۹

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): thajebrahimi@yahoo.com

## مقدمه

در طول تاریخ، یهودیان توجه خاصی به معبد به عنوان مکانی برای برپایی رسوم دینی و اجرای شریعت داشتند؛ به طوریکه هر نوع گردهمایی مذهبی اعم از مراسم دعا، نذر، نماز، قربانی و اعیاد در آن برگزار می‌شد و معبد، نماد قدرت سیاسی و مذهبی به شمار می‌رفت. هفتاد سال بعد از ویرانی معبد اول (هیکل سلیمان)، معبد دوم پایه‌گذاری شد و از سال ۵۱۶ ق.م. به مدت ۴۲۰ سال محل عبادت و اجرای آئین‌های قوم یهود بود<sup>۱</sup>. سرانجام معبد دوم در سال ۷۰م. در خلال یک رشته جنگ‌های سنگین میان یهودیان و رومیان به امر و سپاسیانوس و توسط تیتوس به صورت کامل ویران شد و تنها دیوار غربی آن معروف به دیوار ندبه به جای ماند. معبد دوم همانند همتای اول خود، مرکز آئینی، مذهبی و حتی سیاسی و اجتماعی یهود به ویژه در اورشلیم و شهرهای تحت سلطه بود و با تخریب آن بسیاری از گروه‌های یهودی از بین رفته یا پراکنده شدند.

همانند شرایط بعد از تخریب معبد اول، سوالات بسیاری برای یهودیان پیش آمد که پاسخ به آنها نقشی سرنوشت‌ساز در بقای آن قوم داشت. یهودیان که خود را قوم برگزیده‌ی خداوند می‌دانستند، پس از تخریب معبد دوم مجدداً با وضعیتی دردناک روبرو شده بودند. با توجه به این که دین یهود آیینی شریعت‌محور و معبد‌محور بود، تخریب معبد و اشغال اورشلیم توسط رومیان، یک فاجعه عمیق برای یهودیان به حساب می‌آمد که نه تنها منجر به نابودی مکان اصلی عبادت در بین یهودیان شد، بلکه وحدت و ملیت آنها به عنوان یک قوم منسجم و یکپارچه را نیز از بین برد تا حدی که بسیاری از آنها در نقاط مختلف دنیا پراکنده شدند و برخی نیز از یکتاپرستی روگردان و به شرک و بت‌پرستی رو آوردند. در نتیجه، موجودیت دین یهود با خطر جدی مواجه شد. اما چه علل و عواملی موجب گردید تا دین یهود در آن زمانه‌ی خطیر بتواند به حیات خود ادامه دهد؟ مقاله‌ی حاضر به بررسی نتایج و آثار تخریب معبد دوم بر زندگی یهودیان پرداخته و همچنین عوامل مؤثر بر حیات دین یهود پس از این تخریب را مورد واکاوی قرار می‌دهد. پیش از پرداختن به این موضوع ضروری است تا پیشینه معبد در نزد یهودیان را مورد بازبینی قرار دهیم.

1. Meyers, Carol (1992), "Temple, Jerusalem", in *The Anchor Bible Dictionary*, David Noel Freedman (Ed.), vol. 6, New York, Doubleday, p. 351.

### اهمیت معبد از دیدگاه یهودیان و تأثیر تخریب آن

از ابتدای پیدایش یهودیت، این قوم و آیین به شدت به معبد وابسته بوده‌اند به طوری که اکثر مناسک و اعمال دینی آنان در معبد انجام می‌گرفته است. در طول تاریخ، دوبار معبد اصلی این قوم واقع در اورشلیم به کلی ویران شد. بار اول زمانی بود که معبد اول معروف به معبد (هیکل) سلیمان توسط بخت‌النصر فرمانروای بابل ویران شد و در نتیجه گروه‌های کثیری از یهودیان خواسته یا ناخواسته مقیم بابل شدند (جلای بابلی). سالها بعد از این واقعه، پس از سقوط امپراتوری بابل، در سال ۵۳۹ ق.م. کوروش پادشاه هخامنشی که بابل را فتح کرده بود به یهودیان تبعیدی اجازه بازگشت به وطن و بازسازی معبد دوم را داد. هرچند که دیگر تابوت عهد که محل نگهداری فرمان‌های ده‌گانه حضرت موسی بود در آن جای نداشت و فاقد شکوه و عظمت معبد اول بود. معبدی که نهایتاً در زمان هرود تکمیل شد. برگشت یهودیان به اورشلیم سبب شد که مجدداً اقوام یهودی در اورشلیم و گرد معبد دوم جمع شوند و همانند قبل، بسیاری از آداب و رسوم دینی خود را در معبد اجرا کنند و چند دهه با استقلال و آزادی در آنجا زندگی کنند. اما مجدداً مورد هجوم امپراتوری دیگری یعنی یونانیان قرار گرفتند و فرمانروایی اورشلیم به دست خاندان سلوکی افتاد. آنها تلاش کردند فرهنگ یونانی را رایج نمایند و حتی آداب بت پرستی را بر قوم یهود تحمیل کنند. سرانجام یهودیان شورش کردند و خاندان حشمونیان سپاهیان یونانی را شکست داد. اما فرمانروایی حشمونیان بیش از ۸۰ سال به طول نینجامید و این بار امپراطوری روم تمام سرزمین یهودا را به تصرف خود در آورد و آنها معبد دوم را کاملاً ویران کردند<sup>۱</sup>

پس از تخریب معبد دوم توسط رومیان در سال ۷۰ م.، بسیاری از اقوام یهود در سراسر جهان پراکنده شدند و بسیاری از آداب و رسوم هم تغییر یافت. تخریب اورشلیم و از بین رفتن معبد دوم، سرگستگی یهودیان را دوچندان کرد. اهمیت سیاسی، اجتماعی و مذهبی وقایع سال ۷۰ م. هم زندگی مذهبی گروه‌های مختلف یهودیان در داخل سرزمین یهودا را به شدت تحت تأثیر قرار داد و هم بر مردم عادی یهودی که از خارج از یهودا برای زیارت به معبد اورشلیم می‌آمدند نیز اثرگذار بود. اکنون مقر و مقصد اصلی عبادت و زیارت از بین رفته و مرجعی برای اجرای امور شریعت وجود نداشت. در دوران پیش از سقوط معبد اول

۱. شربوک، دن کوهن، دین یهود، ترجمه‌ی حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۴، ص، ۱۰۹.

برخی یهودیان در اثر مجاورت و همنشینی با کنعانیان و سایر همسایگان بت پرست، آداب و سنن آنها را تقلید نموده و حتی در مواردی خدایان آنها همچون بعل را پرستیده یا گرامی می‌داشتند. بنابراین پس از سقوط اورشلیم توسط بابلی‌ها و تخریب معبد سلیمان، یهود و زعمای آنها این سقوط و تبعید پس از آن را تنها یک تهاجم خارجی ندانسته، بلکه آن را نتیجه‌ی دوران طولانی بحران‌های اجتماعی، شرک و تجمل‌گرایی در درون سرزمین یهود به حساب آوردند. از این روست که در عهد عتیق، گاه سقوط اورشلیم به خداوند نسبت داده شده و پادشاه بابل به عنوان ابزاری برای اجرای کیفر الهی قلمداد می‌شود.

همین باورها در دوره‌ی پس از تخریب معبد دوم نیز وجود داشت، اما در این دوره تفاوتی عمده وجود دارد. اختلافات درون گروهی یهودیان بخصوص فریسیان و صدوقیان در سال‌های پیش از ۷۰م. باعث جنگ‌ها و اختلافاتی میان آنها گردید و بهانه‌ای به امپراتور روم داد تا به بهانه‌ی سرکوب شورش، اورشلیم را فتح کند. ظلم‌های رومیان و بخصوص امپراتور هادریان منجر به شورش‌های مجدد و پی در پی یهودیان گردید که هر بار با سرکوب شدید و کشتار و اسارت و تبعید تعداد زیادی از آنها پایان می‌یافت. مهمترین این شورش‌ها توسط برکوخبا و ربی عقیوا بود که با اعدام هر دو و کشتار تعداد زیادی از یهودیان پایان یافت. این شکست در واقع آنقدر بد بود که نه تنها تقریباً ششصد هزار یهودی کشته شدند، بلکه یهودیان از سرزمین یهودا اخراج گردیدند، یهودا به نام سوریه پالستینا و اورشلیم به آلیا کاپیتولینا، به معنی معبد مقدس سابق تغییر نام یافت و در محل معبد، دو مجسمه یکی از ژوپیتر و دیگری از هادریان قرار داده شد. علاوه بر این، زندگی یهودیان در آلیا کاپیتولینای جدید ممنوع بود و فقط اجازه داشتند در روز نهم ماه آو برای عزاداری وارد شوند. خاخام‌ها بعداً نوشتند که امپراتور هادریان در اسکندریه مصر ۳۶۰۰۰۰۰ نفر را کشت، دو برابر بیشتر از کسانی که از مصر فرار کردند و در شهر بیتار<sup>۱</sup> او چهارصد هزار نفر، یا به گفته برخی، چهار هزار نفر را کشت<sup>۲</sup>. این تلفات اگرچه ممکن است توسط منابع قدیمی مبالغه‌آمیز جلوه داده شده باشد، اما یک شکست قاطع بود و بسیاری از محققان شروع واقعی دیاسپورا یا آوارگی یهودیان را از آنجا تعیین کردند و یهودیان تا سال ۱۳۸م. تا پایان سلطنت هادریان

1. Betar

2. Yadin, Yigae, *Bar-Kokhba: The Rediscovery of the Legendary Hero of the Second Jewish Revolt against Rome*. New York, Random House, 1971, p. 105.

همچنان تحت آزار و اذیت شدید باقی ماندند.

هدف از بازگو کردن این رویدادها در این برهه خاص از تاریخ یهود این است که سعی کنیم تصویری از آنچه یهودی بودن در این دوره‌ی زمانی معنا می‌داد را ترسیم کنیم. در طول هر شورش، فرقه‌های خاصی از یهودیان بر این باور بودند که در آخرالزمان هستند و مسیحای موعود (ماشیح) می‌آید و آنها را نجات می‌دهد. اما با هر شکست اثبات می‌شد که آنها به طرز وحشتناکی در اشتباه هستند، چرا که نتیجه‌ی تلاش آنها، شکست، پراکندگی، بردگی و اسارت، و کشتار و قتل عام بیشتر بود. مسیحای آنها شاید هنوز نیامده بود و اگر این روزها آخرالزمان بودند، روزهای واقعاً تاریکی بودند. تغییری که ویرانی معبد و شورش‌های شکست‌خورده‌ی یهودیان در یهودیت به وجود آورد، قابل اغراق نیست، زیرا منجر به نارضایتی، سرخوردگی و فرار از یهودیت شد. یهودیان دیگر از پایان حکومت معبد و تورات به عنوان آزادی خود استقبال کردند و آشکارا به آغوش بت‌پرستی شهرهای یونان، روم، فلسطین و جاهای دیگر شتافتند.<sup>۱</sup> بنابراین خاخام‌ها اگر می‌خواستند رعیت خود را رهبری کرده و دین یهود را نجات دهند، وظیفه کاملی پیش روی خود داشتند. در اینجا به بررسی سلسه علل و عواملی می‌پردازیم که موجب حفظ حیات دین یهود از انحطاط و نابودی پس از سقوط معبد دوم گردید. برخی از این عوامل از درون خود دین و مردم یهود می‌آیند و برخی دیگر مربوط به عوامل بیرونی و خارج از یهودیت یا مردمان یهودی هستند. بنابراین در بخش‌های بعدی این عوامل به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرند. باید توجه داشت که این عوامل جدا از یکدیگر نیستند و به هم مرتبط هستند و جدا کردن آنها صرفاً برای بحث و بررسی است.

### عوامل درونی

#### فرقه‌های داخلی یهود پس از تخریب معبد دوم و نقش آنها در ادامه‌ی حیات یهودیت

تخریب معبد دوم، تغییر بزرگی در تاریخ یهودیت بوجود آورد. در اینجا سه گروه را در مورد تخریب اورشلیم و پایان معبد دوم مورد بررسی قرار می‌دهیم و همچنین مشکلات اساسی اجتماعی و مذهبی این گروه‌ها که به یکدیگر وابسته بودند را با یکدیگر مقایسه خواهیم کرد. اولین گروه، جامعه قمران هستند. کسانی که جامعه قمران را بنا نهادند کاهنان معبد بودند.

1. Schwartz, Seth, *Imperialism and Jewish Society, 200 BCE to 640 CE*, Princeton & Oxford, Princeton University Press, 2001, p. 158.

هنگامی که معبد بعد از سقوط اول و بی حرمت شدن آن دیگر نمی توانست مرکز تقدس باشد، لازم بود تمرکز جدیدی برای تقدس یافته شود.<sup>۱</sup> اهالی جامعه‌ی قمران معتقد بودند که دیگر خدا در اورشلیم حضور ندارد و آنجا را ترک کرده و به بحرالمیت آمده است. معبد همان "انجمن" بود و عبادت در معبد همان مطالعه و اجرای دستورات "تورات" بود. اطاعت از تورات کمتر از قربانی‌های خونی نبود.<sup>۲</sup> بنابراین انجمن، عملکرد و تقدس معبد را بر عهده می‌گیرد.<sup>۳</sup> اگرچه اطلاعاتی تاریخی در مورد وضعیت جامعه‌ی قمران پس از سقوط معبد دوم در دست نیست، سابقه‌ی وجود چنین تفکراتی در میان یهودیان مبنی بر اینکه معبد لزوماً مرکز دین یهود نیست، می‌تواند یهودیان متاخر را نیز به نتیجه‌ی مشابهی رسانده باشد.

گروه دوم، مسیحیت اولیه است. مسیحیت در ابتدا چیزی جز یک فرقه یا گروه درون یهودیت نبود. مسیحیان به دلیل ایمان به مصلوب شدن و قیام عیسی، درست مثل اهالی جامعه قمران پایان معبد و آیین‌های کهنه را انتظار می‌کشیدند، قبل از اینکه معبد ویران شود.<sup>۴</sup> مسیحیان نخستین ادعا می‌کردند که یهودیان بخاطر قتل پسر خدا مسئول ویرانی معبد هستند و تاکید می‌کردند که عهد خدا با بنی اسرائیل فروپاشیده است. از این رو کتاب مقدس مسیحی این ایده را بیان می‌کرد که قومیت یهود و دین یهود زائل شده است.<sup>۵</sup> هر دو گروه قمرانی‌ها و یهودیان مسیحی از معبد اورشلیم و آیین‌های آن انتقاد کرده و معتقد بودند که آخرالزمان شده و خدا آمده تا با آنها زندگی کند، همانطوری که او زمانی در معبد ساکن بوده است.<sup>۶</sup> آنها قربانی‌های معبد را با سایر اعمال معنوی جایگزین می‌کردند. اما مسیحیان در یک نکته مهم تفاوت داشتند. از دید مسیحیان، مسیح مصلوب، تقدس قدیمی را پایان داده و تقدس جدیدی را آغاز کرده بود. این اعتقاد به طرق مختلف نزد مسیحیان شکل گرفت.<sup>۷</sup> برای آنها (مانند جامعه قمران) معبد جدید، همان جامعه‌ی مسیحی بود و نه فقط شخص عیسی. اما

1. Gartner, Bertile, *The Temple and Community in Qumran and the New Testament*, Cambridge, Cambridge University Press, 1965, p. 95.

2. *Ibid.*, p. 18.

3. *Ibid.*, p. 44.

4. Neusner, Jacob, "Judaism in a time of Crisis: Four responses to the destruction of second temple", *Journal of Jewish Life & Thought*, 1972, No. 21: 3.

5. Goldenberg, Robert, "The Destruction of Temple: Its Meaning and its Consequences", in *The Cambridge History of Judaism*, Steven Theodore Katz(ed.), vol. 4, Cambridge, Cambridge University Press, 2006, pp. 202-3.

6. Gartner, p. 100.

۷. اول قرتیان، ۳: ۱۶-۱۷.

برخلاف جامعه قمران، یهودیان مسیحی (مسیحیان اولیه) با اورشلیم و معبد احساس همبستگی داشتند و معبد را مورد تکریم قرار می دادند. اما آیین‌های معبد برای آنها بی معنا بود، چرا که بخشش گناهان یک بار برای همیشه در آخرین قربانی (قربانی عیسی) اتفاق افتاده بود و ادامه دادن و استمرار این آیین‌ها موضوعی بی اهمیت تلقی می شد. سرانجام، آیین جدیدی که مسیحیان ساختند ادامه یافت. عیسی تبدیل به مسیح شد و کلیسا معبد جدید را شکل داد.

گروه سوم و مهمترین گروه، فریسیان بودند که خود را وارثان حقیقی کتاب مقدس می دیدند. پس از سقوط معبد دوم و از بین رفتن صدوقیان که سرپرستی معبد را بر عهده داشتند، از میان تمام جناح‌ها فقط فریسیان بودند که توانستند زندگی یهودیان را بازسازی کنند و بیشتر اندیشه‌ها، اعمال و اصطلاحات دینی یهودیت را می توان در اشکال گوناگون تعالیم فریسیان یافت. نابودی کهنات و ویرانی معبد، به جای آنکه پایه‌های دین یهود را بلرزاند، پیوند قوم با تورات را محکم کرد. مطالعه شریعت، جای قربانی و "یشیوا" (محل تعلیم)، جای معبد را گرفت. این انتقال به مرور صورت گرفت و در تعلیمات فریسیان شریعت، ستون اصلی یهودیت بود و پادشاه، کاهن، معبد و قربانی برای بقای قوم یهود نقش مهمی نداشتند یا در درجات بعدی اهمیت بودند. خاخام‌ها پس از سال ۷۰ م. به طور قطع خود را دنباله‌رو فریسیان می دانستند.<sup>۱</sup> پس از سقوط معبد دوم، از چندین فرقه و تفسیرهای مختلف یهودیت که در قرن قبل آن گسترش پیدا کرده بودند، تنها دو فرقه از گذشته باقی مانده بود: از یک طرف آموزه‌های خاخامی که دنباله‌ی فریسیان بود و از طرف دیگر مسیحیت که در نهایت به تدریج از خاستگاه اولیه خود یعنی یهودیت دور شد. این واقعیت که یهودیان توانستند حیات ملی و فرهنگی خویش را طی دو هزار سال گسترش دهند، گواه موفقیت آمیز بودن تلاش‌های فریسیانی چون بن زکای است که در بخش بعد به آن می پردازیم.<sup>۲</sup>

### نقش شورای سنهدرین و ربان یوحنا بن زکای در حفظ حیات دین یهود

پیشینه تاریخی شورای سنهدرین به قرن چهارم ق.م. می رسد، اما احتمال می رود که حتی

1. Neusner, p. 321.

۲. اشتاین‌سالتز، آدین، سیری در تلمود، ترجمه‌ی باقر طالبی دارابی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب. ۱۳۸۴، ص، ۱۲۹.

پایه‌های نخستین آن قبل از این دوره گذاشته شده باشد. می‌توان این مجمع را اولین سنهدرین فعال بنی‌اسرائیل دانست. آنان نه فقط حلقه مشورتی، بلکه یک دادگاه رسمی بودند. سنهدرین در آغاز از طبقه کاهنان و نیز افراد غیر کاهن تشکیل شده بود. ابتدا در دوره حکومت حشمونیان قدرت کاهنان بیشتر بود، ولی با گذشت زمان، خاخام‌های پیرو فریسیان قدرت را در دست گرفتند و به تدریج صدوقیان و کاهنان را از سنهدرین بیرون راندند. افراد تأثیرگذار در سنهدرین از چند سال پیش از میلاد مسیح همان فریسیان بودند. این مجمع احکامی در دادگاه‌ها صادر می‌کردند که منطبق با توانایی مردم عادی بود. یکی از مهمترین وظایف سنهدرین نشر و تعلیم قانون‌ها در شهرهای مختلف بود. زیرا به علت شفاهی بودن، به مرور بسیاری از آنها فراموش شده بودند.<sup>۱</sup> هرگاه عالم بزرگی حکمی صادر می‌کرد که سنهدرین با آن موافق نبود، سنهدرین این قدرت را داشت که آن عالم را مجبور به شکستن فتوای خود کند. هدف از این کار این بود که نوعی هماهنگی بین افراد و قوانین و رسوم برقرار باشد و از بروز اختلاف عقیده که منجر به شکاف در قوم یهود می‌شد، جلوگیری گردد. سنهدرین پیروان گروه‌های مذهبی را که به زعم آنان بدعت گذار بودند طرد می‌کرد و سعی در حفظ یهودیت راستین داشت. آنها در برخی موارد برای هدایت مردم و جنگ با مبلغین مسیحی، علمای یهودی را به خارج از اورشلیم هم می‌فرستادند. با اشغال اورشلیم و تخریب معبد دوم عملاً تمام دستاوردهای قبلی بر باد رفت و سنهدرین هم به صورت کامل منهدم شد.

پس از سقوط معبد و اشغال اورشلیم که یهودیان کشور خود را از دست دادند، دیگر معبد مقدس و نیز شورای سنهدرین (که به امور دینی آنان رسیدگی می‌کرد) وجود نداشت. با این حال، اقدام به موقع یک عالم یهودی باعث بقای این دین گردید. ربان یوحنا بن زکای یکی از دانشمندان برجسته و عضو ممتاز سنهدرین اورشلیم بود. او یک فریسی بود که در معبد کار می‌کرد و به این حقیقت پی برده برده بود که یهودیان به شرطی که فرهنگ مذهبی و تاریخی خود را حفظ کنند بدون معبد هم زنده خواهند ماند.

هنگامی که جنگ یهودیان با رومیان به اوج خود رسیده بود، بن زکای می‌دانست که اگر از شهر خارج شود کشته خواهد شد. گروه قنائیم<sup>۲</sup> به منظور حفظ جان یهودیان به آنها

۱. همان، ص، ۵۳.

۲. قنائیم (عبری) یا زیلوت‌ها به معنای غیوران فرقه‌ای انقلابی که معتقد به مبارزه مسلحانه با رومیان بودند.



اجازه نمی‌داد از اورشلیم خارج شوند چرا که هرکس از شهر خارج می‌گردید به دست رومیان کشته می‌شد. تنها راه خروج از شهر، تدفین مردگان بود. بنابراین، بن زکای از شاگردان خود خواست تا شایعه‌ی خبر فوتش را در شهر پخش کنند و سپس او را در تابوتی قرار داده و از شهر خارج سازند. او پس از خروج از شهر به حضور و سپاسیان فرمانده رومی‌ها رفت، زیرا خواستار صلح با رومیان بود و از وی تقاضا کرد تا به شهر کوچک یونه<sup>۱</sup> و دانشمندان آن از طرف سپاهیان روم آسیبی نرسد. حین این مذاکرات، خبر فوت امپراتور نرون رسید و سپاسیان که جانشین او بود با درخواست بن زکای موافقت نمود چراکه آن را تصمیمی بی‌ضرر می‌دانست. در حقیقت تصمیم و سپاسیان کمک کرد تا قوم یهود پس از انقراض امپراتوری روم نیز پایدار بماند. یونه شهری بود که در زمان جنگ هزاران دانشمند یهودی در آن جمع شده و تحصیل می‌کردند. بدین طریق مدرسه علمی یونه به عنوان مرکز تدریس تورات جای اورشلیم را گرفت. از دید بن زکای نجات معبد به خودی خود یک هدف نبود<sup>۲</sup>. او هیئتی مستقل به نام مدرسه سنهدرین تشکیل داد که مانند معبد، وظایف تعلیم و تربیت، قانون گذاری، قضا و حکومت را با هم انجام می‌داد<sup>۳</sup>.

سنهدرین جدید بسته به شرایط جدید و نیز عرف رایج، بسیاری از مجازات‌ها و احکام را تغییر داد و برای برخی مسائل روزمره ابتکارهای جدیدی به خرج داد. فریسیان با الزام قوانین آیین طهارت برای تک تک یهودیان به طور مؤثر اهمیت معبد و آیین‌های آنرا محدود کرده بودند. بنابراین این گروه می‌بایست اهمیت زندگی سیاسی از طریق شریعت را مورد بررسی قرار می‌دادند. گروهی که سیاست را بخاطر پرهیزکاری رها کرده بودند، اکنون باید دوباره ابزارهای قدرت را در جهت پرهیزکاری به دست می‌آوردند<sup>۴</sup>.

### شورش برکوخبا و پیامدهای آن

حدود شصت سال پس از تخریب معبد دوم وضع به گونه‌ای دیگر شد. امپراتور هادریان سختگیری‌های خود نسبت به یهودیان را افزایش داد. رهبری این قیام در سال ۱۳۲ م. بر عهده

1. Yavneh.

2. Neusner, p. 324.

۳. اپستاین، ایزیدور، یهودیت، بررسی تاریخی، ترجمه‌ی بهزاد سالکی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۵، ص، ۱۲۰.

4. Neusner, p. 325.

شمعون برکوخبا بود. حامیان برکوخبا او را شخصیتی مسیحایی می‌دانستند.<sup>۱</sup> اگرچه این قیام در ابتدا موفقیت‌هایی را هم حاصل کرد و برای مدتی رومیان را از سرزمین‌های یهودا خارج کرد، اما سرانجام در سال ۱۳۵م. شکست خورد و عده زیادی از یهودیان نیز کشته شدند. هادریان پس از سرکوب این قیام نسبت به یهودیان سختگیری زیادی را آغاز کرد تا آنجا که اجرای آداب دینی آنان را جرم اعلام کرد. یکی از پیامدهای این قیام و سرکوب آن، کشته شدن تعدادی از دانشمندان یهودی منطقه یونه و بسته شدن مدارس آن بود. بدین ترتیب، مرکزیت علمی این منطقه به پایان رسید. ولی این پایان کار نبود. برخی از عالمان یهودی که جان سالم به در برده طومارهای به جا مانده را برداشتند و با مهاجرت به منطقه جلیل بار دیگر مدارس علمی ایجاد کرده و مجمع سنهدرین دیگری را تشکیل دادند. با مرگ هادریان (که حکومتش چندان طول نکشید) جانشین او قوانین ضد یهود را لغو کرد و یهودیان بار دیگر آزاده به کار علمی پرداختند. بدین ترتیب در اواسط قرن دوم میلادی، منطقه جلیل در فلسطین به صورت مرکز دینی و علمی یهود درآمد. در این مرکز عالمان بزرگی پدید آمدند و آثاری را نیز بوجود آوردند.<sup>۲</sup>

شکست شورش برکوخبا، با آنکه منجر به آوارگی یهودیان شد، وقایع نیکی را رقم زد چراکه حیات دینی یهودیان در غربت بارور شد. پس از آواره شدن یهودیان، عده‌ای به بابل، برخی به مناطق دور افتاده مثل حجاز و پاره‌ای دیگر نیز به کشورهای دیگر مهاجرت کردند. بدین ترتیب، فلسطین مرکزیت علمی و دینی خود را از دست داد. در این زمان یهودیان بابل، تحت حکومت اشکانیان هم به لحاظ علمی و هم تجاری وضعیت خوبی داشتند به گونه‌ای که از سال‌ها قبل مدارس را در این منطقه ایجاد کرده بودند. بدین ترتیب، بابل به بزرگترین مرکز یهودیت تبدیل شد و قرن‌ها نیز به همین صورت باقی ماند. در این هنگام نقش و اهمیت خاخام‌ها بسیار تأثیرگذار بود. مشخصه اصلی خاخام‌ها این بود که ایمان آنان از شیوه زندگی‌شان جدا نبود.<sup>۳</sup> هر یک از خاخام‌ها نسخه‌هایی از تورات را در اختیار داشتند که به هنگام نماز و نیایش در برابر نمازگزاران به گونه‌ای منظم می‌خواندند. امروزه کنیسه جزء

1. Schiffman, L. Harvey, *From text to tradition: A history of second temple and Rabbinic Judaism*, New York, Ktav Publication House, 1991, p. 84.

2. Thompson. Lloyd A., "Domitian and the Jewish tax", in *Historia: Zeitschrift für Alte Geschichte*, 1982, p. 335.

3. Borowitz, B., Eugene, "Judaism" in *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (Ed.), vol. 8, New York, Macmillan, 1987, p. 134.

تفکیک ناپذیر دین جماعت‌محور یهود است. حتی نزد برخی یهودیان متجدد نیز از جهت مرکزیت حیات دینی، از جایگاه برتری نسبت به خانه برخوردار می‌باشد.<sup>۱</sup>

### تدوین تلمود در پی تخریب معبد دوم

یکی از مهمترین اتفاقات پس از تخریب معبد دوم و طی پنج قرن تدوین مجموعه‌ای عظیم از شریعت شفاهی است که تلمود (به معنی آموزش، تعلیم) خوانده می‌شود. البته اصل و منشاء این کتاب را باید بسیار زودتر از این تاریخ دانست. این مجموعه، فرهنگی کامل از نظام اعتقادی و عملی یهودیت است که از زمان نگارش آن تاکنون محور توجه یهودیان بوده است. اکثر مطالب آن به صورت دو مجموعه تحت عناوین میشنا<sup>۲</sup> و گمارا<sup>۳</sup> به رشته تحریر درآمد و سرانجام این دو مجموعه به صورتی که امروزه "تلمود" خوانده می‌شود ترکیب گردید. میشنا که قدیمی ترین سند موجود خاخامی است متعلق به ابتدای قرن سوم میلادی است و برداشت خاخام‌ها از جهان ایده‌آلی است که آنها می‌کوشیدند بسازند یا جهان مسیحایی ایده‌آل که عاجز از ساخت آن بودند. میشنا سندی موجز و مختصر است که بسیاری از مباحث در آن بسط نیافته‌اند.<sup>۴</sup> این مباحث در گمارا بسط بیشتری می‌یابند.

براساس تفاسیر و بحث‌های تلمود درباره کتاب مقدس، اصول پویای دین، شریعت و اخلاق امکان ظهور یافتند. سرانجام دین یهود توانست خود را با هر شرایط زمانی و مکانی، هر نوع جامعه‌ای و هر سطحی از فرهنگ و تمدن منطبق سازد.<sup>۵</sup> تلمود نه تنها ساخته قوم یهود است که به نوبه خود و در زمان‌های بعد، به این قوم شکل و قالب بخشیده است.<sup>۶</sup> در حقیقت، شریعت شفاهی یا تلمود، دیوار دفاعی یهودیت بوده است.<sup>۷</sup> از آنجا که این اثر در یهودیت قرون وسطی نقشی محوری داشت، تفاسیر آن نیز برای باورهای یهودی پس از آن

۱. آترمن، آلن، *باورها و آئین‌های یهودی*، ترجمه‌ی حمیدرضا فرزین، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵، ص، ۳۰۱.

2. Mishnah.

3. Gemara.

4. Goldenberg, p. 200.

۵. اپستاین، صص، ۱۵۴-۱۵۵.

۶. اشتاین سالتز، سیری در تلمود، ص، ۳۸۲.

۷. همان، ص، ۱۲۹.

دوران، منزلتی کم و بیش شبیه اصول اعتقادی پیدا کرد.<sup>۱</sup> از آن زمان تلمود یکی از مبانی اساسی تعلیم خاخام‌های یهودی بوده است.

### عوامل خارجی: آوارگی و تبعید

یکی از تمایزات خاص دین یهود این است که پیروان این دین، برای مدت طولانی‌تر از آنچه در سرزمین یهودا زندگی کرده‌اند در بیرون از آن سرگردان بوده‌اند. با وجود این، علی‌رغم شکنجه و آزاری که بیش از هر گروه دینی دیگری در جهان بر آنها وارد آمده، خصایص عمده دینی و نژادی خویش را از دست نداده‌اند.<sup>۲</sup> پس از تصرف اورشلیم توسط بخت‌النصر پادشاه بابل، او در دو مرحله اشراف، بزرگان و کاهنان یهود را از اورشلیم تبعید کرد. یکی در سال ۵۹۸ ق.م. و دیگری در ۵۸۶ ق.م.<sup>۳</sup> اکثر جمعیتی که در سرزمین یهودا باقی ماندند از طبقات فقیر بودند، اما بیشتر کسانی که قادر به رهبری فکری و عملی یهود بودند به بابل تبعید شدند. بنابراین، گرچه این تبعید ملت یهود را از ریشه نابود نکرد اما تبعیدشدگان، آینده قوم یهود را تحت تأثیر قرار دادند. اسرای یهودی در بابل به مدت ۵۸ سال در آنجا در اسارت ماندند و سرانجام در سال ۵۳۹ ق.م. کوروش پادشاه هخامنشی با ورود به بابل و آزادسازی یهودیان به این اسارت پایان داد. برخی از این اسرا به سرزمین بنی‌اسرائیل برگشتند درحالی‌که گروهی دیگر ترجیح دادند در بابل بمانند. یهودیان بابلی که به اورشلیم برگشتند از نظر تجاری و مالی موفق شدند و توانستند با تعامل با حکومت‌های مسلط بر بابل از جمله بابلی‌ها، هخامنشیان، سلوکی‌ها، اشکانیان و ساسانی‌ها به حیات خود ادامه دادند. این گروه یهودیان به تدریج علما، مدارس دینی و رویکرد فرهنگی خود را توسعه دادند که باعث شد توان و استقلال آنان افزایش یابد به گونه‌ای که حتی در برهه‌ای نیز، به مرکز اصلی یهودیت در جهان تبدیل شدند.

ظهور گروه‌های یهودی در خارج از سرزمین یهودا، ضعف هویت عبرانی و تقویت

۱. آترمن، ص، ۹۱.

۲. هیوم، رابرت ارنست، *ادیان زنده جهان*، ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲،

ص، ۲۷۶.

۳. اپستاین، ص، ۱۴۲.

هویت فراعبرانی یهودیت را به همراه داشت.<sup>۱</sup> تعداد یهودیان بابل بیشتر بود و تحت شرایط بهتری نسبت به هم‌کیشان خود در سرزمین یهودا زندگی می‌کردند. در نتیجه، آنان توانستند دانشمندان روشنفکر و عالیقدری را میان خود بپرورانند یا به سوی خویش جلب کنند. تعلیم تورات در مدارس بابل عمیق‌تر و کامل‌تر بود. این تفاوت را می‌توان در گمارایی که در بابل تألیف شده، به روشنی مشاهده کرد.<sup>۲</sup> تلمود بابلی توسط محافل آمورائیم<sup>۳</sup> بابلی نگاشته شد که در هر نسلی توسط استادانی که مدارس آنها مرکز فعالیت آموزشی بودند، هدایت می‌شدند. اگرچه فعالیت تنائیم<sup>۴</sup> قبلاً در بابل انجام می‌گرفت، ظهور بابل به عنوان مرکز مطالعه تلمود برای اولین بار از زمان راو و ساموئل، در نیمه اول قرن سوم میلادی (پس از سقوط معبد) اتفاق افتاد.<sup>۵</sup> گمارای این میشنا در حدود سال ۵۰۰ میلادی منتشر شد. از آنجایی که تلمود بابلی دارای یک گمارای بسیار طولانی‌تر و عمیق‌تر از تلمود اورشلیم است (اگرچه همه‌ی رسالات میشنا را پوشش نمی‌دهد)، منبع اصلی مطالعه‌ی عالمان در این دوره بوده است. به عبارت دیگر سنگ بنای تدوین تلمود به عنوان یکی از بزرگترین عوامل نجات دین یهود پس از سقوط معبد اول در بابل گذاشته شد و سپس با شکست‌ها و سرخوردگی‌های پس از سقوط معبد دوم در سرزمین یهودا جان تازه‌ای گرفت. این بدین معناست که حیات دینی یهودیان در دوره‌ی تبعید بابلی و همچنین آوارگی و پراکندگی پس از سقوط معبد دوم در اثر تعامل با ادیان توحیدی همچون زرتشت و در سایه تساهل و تسامح پارسیان رو به همگرایی، تأکید بر اجرای فرائض شریعت و در جهت تحکیم باورهای یکتاپرستی بوده است. این درحالی است که در دوره‌هایی که یهودیان در سرزمین خود ساکن بودند گرایش آنها به شرک، بت‌پرستی و تقلید جشن‌ها و مراسم بت‌پرستان و فرهنگ‌های مجاور بیشتر بوده است. بدین ترتیب تبعید و آوارگی در نهایت به تداوم حیات دین یهود انجامید.

### تأثیرپذیری از سایر ادیان و باورها

۱. مسیری، عبدالوهاب، یهودی کیست، ترجمه‌ی اسماء خواجه‌زاده، قم، نشر معارف، ۱۳۹۳ش.
۲. کوهن، آبراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه‌ی امیرحسین صدری‌پور، تهران، چاپخانه زیبا، ۱۳۵۰ش، ص، ۲۲۰.
۳. Amoraim: (دانشمندان یهودی که تورات شفاهی را بین سده‌های سوم تا چهارم میلادی تدریس می‌کردند).
۴. Tannaim: (علمای خاخامی بین قرون ۱ تا ۳ ق.م).

تبعید یهودیان به بابل موجب شد که ایشان آن وجه از دین خود که می‌توانست آنها را از تنگنای عقاید کهن قومیشان نجات دهد را توسعه بخشیده و آن را در برابر اصول ادیان دیگر قرار دهند.<sup>۱</sup> در این میان نقش ادیان ایران باستان از جمله دین زرتشتی و فرقه‌های آن همچون زروانی و اثری که بر علمای یهود گذاشتند قابل توجه بوده است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. همچنانکه پیشتر گفته شد، سرخوردگی و ناامیدی یهودیان پس از شکست شورش‌های متعدد در برابر اشغال و آزار رومیان منجر به روگردانی آنها از دین یهود و حتی رو آوردن آنها به بت‌پرستی گروه‌های همجوار گردید. این روگردانی و سرخوردگی‌ها وظیفه‌ی خطیری را بر دوش خاخام‌ها برای حفظ دین یهود گذاشت. یهودیان ساکن در بابل قرن‌ها در صلح و آرامش تحت سلطه‌ی ایرانیان بودند و زرتشتیان و سایر فرق ایرانی نیز دیدگاه‌های توحیدی یا تقریباً توحیدی داشتند، بنابراین نباید تعجب آور باشد که خاخام‌ها از باورهای آنها الهام گرفته باشند. به عنوان مثال، اگرچه متون اولیه‌ی یهودیت تاکید چندانی بر مفاهیم بهشت و جهنم و پاداش و کیفر ندارند، در دوره‌ی ناکامی‌ها و آزار رومیان تاکید بر این مفاهیم که ظالمان و بدکاران در دنیایی دیگر مجازات می‌شوند و رنج‌دیدگان و نیکوکاران به پاداش می‌رسند می‌توانست در آن برهه‌ی تاریک تاریخ یهودیت، مرهمی بر یأس و ناامیدی و تدبیری از سوی خاخام‌ها برای تقویت ایمان مردم و جلوگیری از سرخوردگی و روگردانی آنها از آیین یهودیت بوده باشد. این توجه به جهان پس از مرگ و تاکید بر بهشت و جهنم و همچنین دوگانه‌های خدا و شیطان از جمله مواردی است که مشابهت زیادی با باورهای زرتشتی و زروانی دارد. نکته قابل توجه در این بحث این است که یهودیت در دوره‌های مختلف تاریخ خود تحت تأثیر باورها و عقاید مختلفی قرار گرفته است که حتی برخی از آنها باورهای شرک و بت‌پرستی بوده است. برای مثال در دوران معبد اول به دلیل نداشتن پیشینه و فرهنگ خودی، بنی اسرائیل به اجرای جشن‌ها و مراسم کنعانیان رو آوردند و بعل، آمون و سایر بت‌ها و خدایان را گرامی داشته و حتی آنها را می‌پرستیدند یا در دوره‌ی تسلط یونانیان (دوره هلنیستی) به عقاید یونانیان گرایش پیدا کردند.<sup>۲</sup> اما این دوره‌های انحطاط از آیین یهودیت چندان دوام نمی‌آورد و آنها دوباره به اصول توحیدی دین خود برمی‌گشتند.

۱. رنجبران، داود، نقد و بررسی عرفان‌های وارداتی کابالیسم، ج دوم، تهران: ساحل اندیشه، ۱۳۸۹، ص. ۷۶.

2. Stern, Menhaem, "The Period of the Second Temple", in *A History of the Jewish People*, H.H. Ben-Sasson(ed.), Harvard, Harvard University Press, 1994, p. 675.

ولی در مورد دین زرتشت و تأثیرپذیری یهود از این دین، علی‌رغم برخی نظرات دیگر، شواهد غیرقابل انکاری وجود دارد که می‌تواند به دو دلیل بوده باشد: رفتار خوب ایرانیان بخصوص کوروش پادشاه هخامنشی با اسرای در تبعید یهودی و آزادسازی آنان که باعث شده نام او در کتاب مقدس چندین بار گرامی داشته شود و همچنین سیاست تساهل و تسامح اشکانیان با قوم یهود و دومین دلیل به خاطر توحیدی بودن دین زرتشت و آموزه‌های آن که با دین توحیدی یهودیت اشتراکاتی داشت<sup>۱</sup>. هرچه بود در دوره‌ی پس از سقوط معبد دوم نیز همین تأثیرپذیری ممکن است در تقویت و ادامه‌ی حیات دین یهود مؤثر بوده باشد. همچنین، هنگام نگاه به یهودیت بابلی تفاوت قابل توجهی وجود دارد. منابع بابلی نشان دهنده‌ی یک جنبش خاخامی است که به دلیل موقعیت اجتماعی خود احساس امنیت بیشتر، از نظر اقتصادی وابستگی کمتر به خارجی‌ان و از همتای فلسطینی خود قوی‌تر است. تصویر تلمودی از ساختار جامعه یهودی در بابل با جدایی خودخواسته‌ی خاخام‌های بابلی از اکثر مردم و تقسیم آن بین خاخام و غیرخاخام به ساختار جامعه ایرانی شباهت دارد<sup>۲</sup>. در بابل، خاخام‌ها نه تنها از پیشینه فریسی خود، بلکه از امتیازاتی که در جامعه ایرانی به آنها داده می‌شد بهره‌مند شدند و در نتیجه، تحت تأثیر فرهنگ، باورها و اعتقادات زرتشتی قرار گرفته و پذیرای آن گردیدند.

### همسایگان و سرزمین‌های همجوار

بی تردید، آزار و اذیت یهودیان از سوی امپراتوری روم، حتی شکنجه و آزار مسیحیان اولیه، نقش مهمی در حفظ اعتقادات دینی یهود داشت. اگر سختگیری‌هایی مانند سکونت در محله‌های خاص یهودی نشین شهرها یا ممنوعیت مراسم مذهبی خاص نبود، چنین همبستگی در میان آنها بوجود نمی‌آمد<sup>۳</sup>. اینکه یهودیان در میان رقابت امپراتوری‌های بزرگ آن زمان چون ایران، روم و یونان قرار داشتند و هر چند مدت سرزمینشان توسط یکی از این ابرقدرت‌ها اشغال شده و مجبور به همراهی و اطاعت از آنها بودند در سرنوشت آنها تأثیر

1. Barr, James, "The Question of Religious Influence: The Case of Zoroastrianism, Judaism, and Christianity", in *Journal of the American Academy of Religion*, 1985, vol. 53, No. 2, p. 230.

2. Kalmin, Richard, *The Sage in Jewish Society of Late Antiquity*, London, Routledge, 1999, p. 10.

۳. هیوم، ص، ۲۹۶.

انکارناپذیری داشته است. در سال ۶۶م. شورش‌های گسترده‌ای در سرزمین یهودیه به دلیل افزایش تنش‌ها میان یهودیان، یونانیان و همچنین اربابان رومی آنها درگرفت. این شورشها تا سال ۷۳ میلادی ادامه داشت و نتیجه‌ی آنها شکست یهودیان، کشته و اسیر شدن هزاران یهودی و تخریب معبد توسط سربازان رومی بود.

سپس آنچه به عنوان شورش دوم یا شورش کیتوس<sup>۱</sup> شناخته می‌شود، در سال ۱۱۵م. در زمان هجوم رومی‌ها به ارمنستان آغاز شد. تقسیم شدن امپراتوری روم منجر به تکه تکه شدن تاریخ مکتوب آن در این زمان گردید و از آنجا که این شورش‌ها در مکانهای متعددی انجام شد، برای مورخان دشوار است که علت اصلی آن را مشخص کنند. از آنجاییکه این شورش‌ها در زمان جنگ‌ها و درگیری‌های امپراتور تراژان (ترایانوس) با امپراتوری اشکانی اتفاق می‌افتاد، مورخان و محققان معاصر معتقدند که اشکانیان ممکن است پشت این وقایع بوده و یهودیان را برای پرت کردن حواس رومیان از جنگ با خود تشویق به شورش کرده باشند. علل و دلایل آن هر چه که باشد، شورش‌ها در سیرن، مصر، قبرس، بین‌النهرین و یهودیه شروع شد، اما سرانجام منجر به کاهش جمعیت یهودیان سیرن و قبرس گردید و در نهایت زندگی یهودیان در جزیره قبرس ممنوع شد.<sup>۲</sup>

سرانجام، در سال ۱۳۲م.، یهودیان در سرزمین یهودیه برای آخرین بار به رهبری شمعون برکوخبا علیه امپراتوری روم قیام کردند. همانطور که پیشتر گفته شد، شمعون برکوخبا یک شخصیت قابل توجه است زیرا برکوخبا به معنی «پسر ستاره» است و این نام توسط حکیم یهودی، ربی عقیوا، به او داده شد که شمعون برکوخبا را مسیحای موعود (ماشیح) اعلام کرد. در یهودیت، مسیحا به معنای تطهیر (مسح) داده شده است؛ فردی که قرار است رهبر سیاسی و نظامی بزرگی باشد و به خوبی به قوانین یهودیت مسلط است تا قوم خود را در آخرالزمان هدایت کند. این عنوانی نیست که به راحتی به دست آید و به کار بردن آن برای برکوخبا نشان از امیدواری یهودیان به رهبری او برای تشکیل مجدد کشور و ملت مستقل یهود است.<sup>۳</sup>

۱. این عنوان از کلمه عبری Quietus گرفته شده که به لوسیوس کوییتوس، ژنرال رومی و فرماندار یهودیه اشاره دارد که بسیاری از شورش‌ها را سرکوب کرد.

2. Cohen, Adam, *From the Temple to the Synagogue: Exploring Changes in Judaism after the Fall of the Second Temple*, Unpublished Master Thesis, Central University of Florida, 2019, p. 29.

3. *Ibid*, p. 30.



ظرف سه سال شورش سرکوب شد و شمعون برکوخبا و ربی عقیوا هر دو اعدام شدند. نتیجه، ویرانی اورشلیم، پراکندگی و سرگردانی یهودیان و اخراج آنها از سرزمین یهودیه است. یهودیان تا سال ۱۳۸م. تا پایان سلطنت هادریان همچنان تحت آزار و اذیت شدید باقی ماندند. اینکه آیا اشکانیان در رقابت با رومیان ارتباطی با شورش های برکوخبا داشتند موضوعی است که می تواند توسط محققان علاقه مند در پژوهش های آینده مورد بررسی دقیق تر قرار گیرد. با این حال آنها توانستند با کمک آموزه های بسط یابنده و مناسک سنتی خود وحدت یابند و خاخام ها تعالیم پیامبران و روایات شفاهی یهودی را مکتوب کرده و مجموعه ای بزرگ از شریعت و روایات را تدوین کنند که تلمود نام گرفت.<sup>۱</sup> این اتفاقات در میانه اشغال و تحت سلطه بودن توسط قدرت های بزرگ زمان نشان داد که یهودیان چه داخل و چه خارج از سرزمین مقدس می توانند براساس نقش خاخام ها و قانون تورات هویت خویش را تداوم بخشند.

### نتیجه

تاریخ یهودیت همواره با مسیر پر فراز و نشیبی در دوران حیات دینی خود روبرو بوده است. روند مستمر انحطاط دینی پیش از سقوط معبد اول با تخریب معبد و اسارت در بابل ادامه داشت. در دوران جلای بابلی، جریان هم گرایی و تقویت گرایشات دینی آغاز شد و یهودیان تا اندازه ای با ارشاد انبیای الهی به تحکیم مبانی اعتقادی خود پرداختند. پس از بازگشت به اورشلیم، تا مدتی این جریان دینی به حیات خود ادامه داد، اما با نفوذ افکار و فرهنگ یونانی، یهودیان در وطن تحت تأثیر قرار گرفتند و روند سازش با آداب و رسوم وارداتی و تضعیف هویت دینی بار دیگر شدت یافت و در نتیجه سست شدن مبانی دینی و فرهنگی یهود، اتحاد دینی و قومی آنها رو به زوال گرایید. در نهایت با حمله رومیان، معبد دوم که برای یهودیان جایگاه ویژه ای داشت و آن را مرکز دنیا و قدرت و جایگاه خدا می دانستند تخریب شد. با سقوط معبد دوم در سال ۷۰م. توسط رومیان، قوم یهود دچار پراکندگی و آوارگی گردید تا حدی که بقای دین یهود در معرض خطر قرار گرفت. مقاله ای حاضر به بررسی عوامل مؤثر در حیات دین یهود پس از تخریب معبد دوم پرداخته است. در این میان دو دسته

۱. پت فیشر، ماری. *دایره المعارف ادیان زنده جهان*. ترجمه ی مرضیه سلیمانی. تهران: نشر علم، ۱۳۸۹، ص

عوامل درونی و بیرونی را می‌توان شناسایی کرد که البته به یکدیگر نیز مرتبط هستند. از جمله عوامل درونی می‌توان به چهار نکته‌ی اساسی اشاره کرد:

به عنوان اولین عامل می‌توان به نقش یوحانان بن‌زکای در حفظ حیات یهود تاکید کرد. این عالم با تشکیل حلقه‌ی درس در شهر یونه و برپایی شورای سنهدرین، تربیت شاگردان فراوان و همچنین نشر تعالیم دین یهود، تقویت نظام خاخامی و تشکیل کنیسه‌ها سبب حفظ فرهنگ ملی یهودیان گردید.

عامل دوم نقش شورای سنهدرین در بقای حیات آئین یهود می‌باشد. این شورا ریشه‌ای تاریخی در میان اقوام یهود دارد، اما بعد از تخریب معبد دوم با نشر قوانین و احکام از بدعت گذاری در آئین یهود پیشگیری کرد و سبب شد که ادامه حیات آن حفظ گردد. این شورا در شهر یونه و با هدایت بن‌زکای وظایف مربوط به تعلیم و تربیت، قانون‌گذاری، قضاوت و حکومت را انجام می‌داد و جای خالی معبد را پر می‌کرد.

به عنوان عامل سوم می‌توان به نقش شورش شمعون برکوخبا اشاره کرد. این شورش در سال ۱۳۲م. شروع شد و سه سال بعد به طور کامل شکست خورد که موجب قتل عام و آوارگی بسیاری از یهودیان و همچنین عاملی برای پایان مرکزیت علمی شهر یونه و مرگ بسیاری از دانشمندان یهود ساکن آن گردید. هرچند این عامل اثرات مخرب زیادی داشت، ولی مجدداً یهودیان در منطقه جلیل مدرسه علمی خود را برپا کرده و مجمع سنهدرین جدیدی تشکیل دادند. همچنین از آنجاییکه برکوخبا همان مسیحای موعود (ماشیح) و نجات‌بخش قوم در آخرالزمان تصور می‌شد، اعدام او منجر به یاس و سرخوردگی شدید در میان یهودیان و آغاز پراکندگی آنان در نقاط مختلف جهان گردید. همین موضوع اما با قدرت گرفتن کنیسه‌ها و خاخام‌ها و شروع تدوین تلمود در نهایت، به ادامه‌ی بقای یهودیت منجر شد.

چهارمین عامل اثر نظام خاخامی در حفظ حیات فرهنگی یهود و تدوین تلخیص عظیمی از شریعت شفاهی و تفسیرهای روایات به نام تلمود بود. با حذف معبد و در نبود صدوقیان، با حمایت فریسیان نظام خاخامی جانشین آن شد. با توجه به اینکه خاخام‌ها از نزدیک با مردم در تماس بودند، توسط مردم پذیرفته شده و توانستند تغییراتی در دین یهود ایجاد کنند که از جمله عمل همراه با عشق و مهربانی و خواندن تورات به جای قربانی را جایگزین کرده و پرهیزکاری را به عنوان هسته اصلی اعتقادی در زندگی یهودیان مطرح ساختند. خاخام‌ها

کنیسه‌ها را تقویت کرده و با تاکید بر قدرت و اهمیت مطالعه سبب حفظ حیات ملی و فرهنگی یهود شدند. سنگ بنای این روایات شفاهی پس از تبعید بابلی گذاشته شد و با پراکندگی دوباره‌ی یهودیان بعد از تخریب معبد دوم در سال ۷۰م. و شورش برکوخبا در سال ۱۳۵م. در قالب اثر مهمی به نام تلمود جان تازه‌ای گرفت.

علاوه بر عوامل درون گروهی می‌توان به سه عامل بیرونی نیز در حفظ حیات قوم یهود پس از سقوط معبد اشاره کرد. اولین عامل تبعید و آوارگی یهودیان از سرزمین یهودا بود. اجمالاً می‌توان چنین نتیجه گرفت که جامعه‌ی یهودی چه در موطن اولیه خود و چه در تبعید و پراکندگی بی‌تأثیر از فرهنگ، آداب و رسوم و مذاهب ملت‌های مورد تعامل با خود نبوده است، اما این تأثیرپذیری به دو شکل متفاوت بروز کرده است. یهودیان در زمان استقرار در سرزمین خود، با هویت دینی رو به ضعف و گرایش به شرک و بت‌پرستی و آمیختگی با فرهنگ اقوام و جوامع همسایه روبرو بودند که تأثیرات مخربی در دین‌داری آنان به جای می‌گذاشت. این امر در دوره معبد اول و پس از مدتی در دوره معبد دوم وجود داشت. اما در دوران تبعید بابلی و آوارگی پس از تخریب معبد دوم که دوران غربت و پراکندگی بزرگ بود، حیات دینی یهودیان همواره در جهت هم‌گرایی و تحکیم باورهای توحیدی بوده است. دومین عامل تأثیرپذیری مثبت یهودیان از عقاید و باورهای سایر ادیان توحیدی بخصوص ادیان ایران باستان از جمله دین زرتشتی بوده است. این تأثیرپذیری بخصوص با برجسته کردن نقش پاداش و مجازات در زندگی پس از مرگ و باور به اینکه ظالمان و بدکاران سرانجام به جزای خود خواهند رسید و رنج کشیدگان و نیکوکاران نیز پاداش خود را خواهند گرفت و همچنین اعتقاد به اینکه رنج در این دنیا صرفاً کیفر اعمال انسان نیست، نور امیدی در زندگی یهودیانی تاباند که تحت ظلم و ستم شدید رومیان زندگی می‌کردند. در نهایت، این تبعید و تأثیرپذیری به حفظ حیات دین یهود و جلوگیری از ناامیدی و روگردانی مردم از دین در پی شورش‌ها و شکست‌های متعدد پس از سقوط معبد کمک کرد.

سومین عامل خارجی در حفظ حیات دین یهود همسایگان و امپراطوری‌های مجاور سرزمین یهود از جمله بابل، روم، یونان و ایران است که جنگ‌ها و رقابت‌های آنان نقش مهمی در تسخیر فلسطین و تخریب معابد و تبعید و اخراج یهودیان در طول قرون متمادی داشته است. حمله بابلی‌ها و رومیان باعث تخریب معابد اول و دوم و تبعید یهودیان از سرزمین خود گردید. در موارد دیگری مثل تسلط یونانیان و پارسیان با توجه به سیاست

تسامح و تساهل این حکومت‌ها یهودیان به سرزمین خود بازگشته و در انجام فرائض دینی آزاد بودند. در دوران پس از معبد دوم نیز به نظر می‌رسد که رقابت و جنگ‌های اشکانیان و رومیان و به تحریک اشکانیان در جهت منحرف و مشغول کردن رومیان از جنگ با خود منجر به شورش‌هایی در سرزمین یهودیه شده باشد که در نهایت این شورش‌ها نیز با تاسیس نظام خاخامی و تدوین تلمود منجر به بقای دین یهود گردید.

## منابع و مأخذ

- اپستاین، ایزیدور، یهودیت، بررسی تاریخی، ترجمه‌ی بهزاد سالکی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران. ۱۳۸۵ش.
- اشتاین‌سالتز، آدین، سیری در تلمود، ترجمه‌ی باقر طالبی دارابی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ش.
- آنترمن، آلن، باورها و آئین‌های یهودی، ترجمه‌ی حمیدرضا فرزین، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵ش.
- پت فیشر، ماری، دایره‌المعارف ادیان زنده جهان، ترجمه‌ی مرضیه سلیمانی، تهران، نشر علم، ۱۳۸۹ش.
- رنجبران، داود، نقد و بررسی عرفان‌های وارداتی کابالیسم، ج دوم، تهران، ساحل اندیشه، ۱۳۸۹ش.
- شربوک، دن کوهن، دین یهود، ترجمه‌ی حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۴ش.
- کوهن، آبراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه‌ی امیرحسین صدری‌پور، تهران، چاپخانه زیبا، ۱۳۵۰ش.
- مسیری، عبدالوهاب، یهودی کیست، ترجمه‌ی اسماء خواجه‌زاده، قم، نشر معارف، ۱۳۹۳ش.
- هیوم، رابرت ارنست، ادیان زنده جهان، ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲ش.
- Barr, James, "The Question of Religious Influence: The Case of Zoroastrianism, Judaism, and Christianity", *Journal of the American Academy of Religion*, 1985, vol. 53, No. 2.
- Borowitz, B., Eugene, "Judaism", in *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (Ed.), vol. 8, New York, Macmillan, 1987.
- Cohen, Adam, *From the Temple to the Synagogue: Exploring Changes in Judaism after the Fall of the Second Temple.*, Unpublished Master Thesis, Central University of Florida, 2019.
- Gartner, Bertile, *The Temple and Community in Qumran and the New Testament*. Cambridge, Cambridge University Press, 1965.
- Goldenberg, Robert, "The Destruction of Temple, Its Meaning and its Consequences", *The Cambridge History of Judaism*, Steven Theodore Katz(ed.), vol.4. Cambridge, Cambridge University Press,

2006.

- Kalmin, Richard, *The Sage in Jewish Society of Late Antiquity*, London, Routledge, 1999.
- Meyers, Carol, "Temple, Jerusalem", in *The Anchor Bible Dictionary*, David Noel Freedman (Ed.) vol. 6. New York, Doubleday, 1992.
- Neusner, Jacob, "Judaism in a time of Crisis: Four responses to the destruction of second temple", *Journal of Jewish Life & Thought*. No 21: 3, 1972.
- Schiffman, L. Harvey, *From text to tradition: A history of second temple and Rabbinic Judaism*, New York, Ktav Publication House, 1991.
- Schwartz, Seth, *Imperialism and Jewish Society, 200 BCE to 640 CE*. Princeton & Oxford, Princeton University Press, 2001
- Stern, Menhaem, The Period of the Second Temple, in *A History of the Jewish People*, H.H, Ben-Sasson, Harvard University Press, 1994.
- Thompson, Lloyd A., "Domitian and the Jewish tax", in *Historia: Zeitschrift fur Alte Geschichte*, 1982.
- Yadin, Yigael, *Bar-Kokhba: The Rediscovery of the Legendary Hero of the Second Jewish Revolt against Rome*. New York, Random House, 1971.